ورود جنگ به میدان محاسبه‌ها

ناتوانی آمریکا در کسب یک پیروزی نظامی روشن، واشنگتن را به تهدید، تحریم و خبرسازی برای اثرگذاری بر اقتصاد و افکار عمومی داخل ایران سوق داده است

گروه اقتصاد- تحولات روزهای اخیر نشان می دهد رویارویی آمریکا و ایران وارد مرحله تازه و پیچیده تری شده است. مرحله ای که در آن، جنگ دیگر صرفاً در میدان نظامی جریان ندارد. اقتصاد، امنیت، سیاست، دیپلماسی، رسانه و ذهن جامعه، همگی به میدان هایی درهم تنیده از یک نبرد ترکیبی تبدیل شده اند. در این شرایط طرف مقابل پس از این که نتوانست اهداف اولیه خود را در میدان نظامی محقق کند، تلاش می کند از مسیرهای دیگر برای خود دستاورد بسازد. دستاوردی که بتواند ناکامی های میدانی را پوشش داده و تصویری متفاوت از واقعیت جنگ در افکار عمومی ارائه دهد. تهدیدهای لفظی، ضرب الاجل ها، تحریم های تازه، خبرسازی درباره محاصره و انتشار اطلاعات جهت دار، در همین چارچوب قابل ارزیابی است. هدف اصلی، تنها ارسال یک پیام سیاسی یا نظامی نیست؛ بلکه ایجاد نگرانی، برهم‌زدن تعادل روانی جامعه، وادار کردن مردم به رفتارهای هیجانی و انتقال صحنه تقابل از دوگانه جنگ و مذاکره به الگوی جنگ و بی‌ثبات‌سازی داخلی است.

۴ محدودیت راهبردی آمریکا

«بی گزینگی» یکی از مهم‌ترین تنگناهایی است که آمریکا در مواجهه با ایران با آن روبه‌رو شده است. بی گزینگی به معنای ناتوانی مطلق در وارد کردن ضربه نظامی نیست؛ مسئله آن است که هر گزینه احتمالی، بلافاصله با یک پرسش بی‌پاسخ روبه‌رو می‌شود: «بعد از آن چه خواهد شد یا چه کار باید کرد؟»

علاوه بر بی گزینگی در حال حاضر آمریکا با حداقل ۴ محدودیت جدی روبه‌رو شده است. در ارزیابی مهدی محمدی کارشناس مسائل راهبردی، واشنگتن اکنون همزمان با چهار محدودیت زمان، تسلیحات، متحدان و هزینه‌های اقتصادی جنگ به شرح زیر روبه‌روست:

■ ۱-زمان: آمریکا به هیچ عنوان مایل به جنگی طولانی نبوده، اما در حال حاضر دقیقاً به این فرایند وارد شده است.

■ ۲-سلاح: ساختار جنگی آمریکا نتوانسته توازن میان هزینه و دستاورد برقرار کند و از منظر اقتصاد جنگ، با فرسایش منابع روبه‌رو شده است. ایران با تسلیحات ارزان ولی دقیق، آمریکا را وادار به هدر دادن تسلیحات خود کرده است.

■ ۳-متحدان: در شرایط حاضر، طیفی از متحدان آمریکا در منطقه و خارج از منطقه این انتقاد جدی را مطرح کرده‌اند که نمی‌شود آمریکا ضمن درگیری با ایران آن هم در شرایطی که نبود ایده و راه حل به طور جدی به وجود آمده است، آن ها را نیز در گیر چنین فرایند پرهزینه‌ای کند. این موضوع به شدت بر کمپین جنگی آمریکا علیه ایران اثر گذاشته است.

■ ۴-اقتصاد بین المللی و آمریکا: تثبیت قیمت بنزین در سطح تقریباً ۴ دلار برای هر گالن، متغیری نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت. تدبیر هوشمندانه ایران در این زمینه تبدیل جنگ از جنگ نظامی به جنگ اقتصادی علیه آمریکا بوده است. این محدودیت در صورت تداوم می تواند به یک دستاویز جدی انتخاباتی علیه ترامپ نیز تبدیل شود.

مثلث جدید راهبردی آمریکا

در چنین شرایطی، واشنگتن برای ساختن تصویری از یک دستاورد تازه، سه مسیر را به طور همزمان دنبال می کند: ائتلاف‌سازی، فشار اقتصادی و فشار نظامی-امنیتی علیه ایران.

به گفته محمدی یک نمونه ائتلاف‌سازی، پیمان مکه بوده که در هفته های اخیر شاهد آن بودیم. از سوی دیگر آمریکا در حال فشار اقتصادی به ایران در قالب تحریم های جدید است. هدف از این کار نیز عمدتاً اثرگذاری بر محیط داخلی ایران است. در ضمن این دو مسیر نیز به معنای کنار گذاشتن گزینه نظامی نیست. البته ارزیابی ها نشان می دهد این تلاش ها در حال حاضر، به دلیل مقاومت و اقدامات متقابل ایران، نسخه ضعیف تری از موارد مشابه خود در گذشته هستند.

اقتصاد در کانون جنگ روانی

خبرهای جدید، گمانه روزهای قبل در خصوص رفتار تحریمی آمریکا را تایید می کنند. در حال حاضر آمریکا به سراغ دور جدیدی از تحریم ها علیه ایران رفته است. چیزی که ترامپ آن را «کوبنده ترین عملیات اقتصادی در جهان» نامیده است. با این حال، آمریکا در دوره های پیشین تشدید تحریم، بخش مهمی از ظرفیت های فشار خود را به کار گرفته و ایران نیز طی سال های گذشته، روش های متعددی برای کاهش آثار تحریم آزموده است.

عباس عراقچی وزیر خارجه کشورمان دیروز یادداشتی قابل تامل در فضای مجازی منتشر کرد که به واقعیتی جالب اشاره دارد. او نوشت: چهارده سال پیش: «فلج کننده‌ترین تحریم‌های تاریخ.» شکست خورد. هشت سال پیش: «فشار حداکثری.» شکست خورد. پنج ماه پیش: «تسلیم بی قید و شرط.» شکست خورد. امروز: «کمر شکن ترین عملیات اقتصادی تاریخ.» این هم محکوم به شکست است. این فیلم را قبلاً دیده‌ایم؛ همان داستان همیشگی، فقط با قلدرهای متفاوت.

اقتصاد خرد؛ خط مقدم پدافند مردمی

با این اوصاف، هدف پنهان فشار اقتصادی اخیر روشن‌تر می‌شود: تحریم‌های جدید بیش از آنکه تنها مبادلات اقتصادی را نشانه بروند، درپی اثرگذاری بر ذهن جامعه و رفتار روزمره مردم‌اند.

منطق این فشار روشن است: ایجاد نگرانی از آینده، افزایش تقاضای هیجانی در بازار، خرید بیش از نیاز، انبار کردن کالا، هجوم به بازار ارز و طلا و شکل گیری موجی از نااطمینانی. در چنین شرایطی، حتی خبری که اثر مستقیم و فوری ندارد، می‌تواند از مسیر اثر روانی، به عاملی برای برهم‌زدن آرامش بازار تبدیل شود.

بنابراین راه مقابله با این جنگ جدید بیش از پیش روشن است. در این چارچوب، پرهیز از خرید مازاد و تصمیم‌های شتاب‌زده، از عوامل کاهش التهاب بازار تلقی می‌شود. خرید به اندازه نیاز، پرهیز از انبار کردن کالا، خودداری از تصمیم‌های عجولانه و کمک به اقشار آسیب‌پذیر، از جمله رفتارهایی است که می‌تواند اثرگذاری فشار خارجی را کاهش دهد.

در مقابل، مسئولان نیز وظیفه دارند از تصمیم‌هایی که به بازار و جامعه شوک وارد می‌کند، دوری کنند. هر تصمیم اقتصادیِ فاقد پشتوانه، هر خبر مبهم و هر سیاستی که فضای جامعه را ملتهب سازد، می‌تواند به ابزار مکمل فشار دشمن تبدیل شود.

جنگ شناختی و مسئولیت عمومی

یکی دیگر از مهم‌ترین میدان‌های این رویارویی، میدان شناختی و رسانه‌ای است. هر خبر، تحلیل، شایعه و تصویری که در فضای عمومی منتشر می‌شود، می‌تواند در شکل دادن به ذهن جامعه نقش ایفا کند.

در چنین شرایطی، بازنشر شتاب‌زده اخبار، تکرار ادعاهای تأییدنشده و انتشار مطالبی که اضطراب یا ناامیدی ایجاد می‌کند، می‌تواند ناخواسته در خدمت جنگ روانی قرار گیرد. مقابله با این وضعیت، نیازمند دقت، صبوری و پرهیز از واکنش‌های عجولانه است. در هفته های اخیر، خبرهای مربوط به گرانی برق و بنزین، حذف کالابرگ زوار اربعین، حذف ارز ترجیحی دارو و... در فضای مجازی بسیار پربازدید شده‌اند در حالی که بخش عمده آن‌ها با توضیح و تکذیب روبه‌رو شده‌اند.

این موضوعات نشان می‌دهد نباید جنگ رسانه‌ای و شناختی دشمن حتی از مسیر پیام رسان های داخلی را کم اهمیت قلمداد کرد. کارشناسان حوزه جنگ شناختی تاکید دارند هرگاه خبر یا ویدئو یا تحلیلی در فضای مجازی، به صورتی غیرعادی مخاطب را با فشار هیجانی روبه‌رو کند، نیازمند تحقیق و بررسی از منظر اصالت، صحت و جامعیت است.

فضای مجازی امروز صرفاً محل دریافت خبر نیست؛ هر کاربر بخشی از چرخه انتشار و اثرگذاری بر افکار عمومی است. از همین رو، حفظ امید، پرهیز از توهین، جلوگیری از تشدید اختلاف‌ها و بی‌اعتنایی به شایعات، می‌تواند نه صرفاً اقدامی برای آرامش روانی فردی بلکه نقطه مقابله با یک عملیات روانی هدفمند علیه افکار عمومی باشد. در مجموع باید توجه داشت بخشی از تحولات کنونی در فضای اقتصادی-اجتماعی با محوریت فضای مجازی می‌تواند بازتابی از یک عملیات روانی و جنگ شناختی علیه ایرانیان باشد. در چنین وضعی، میدان اصلی تقابل، میدان محاسبه‌هاست. هرچه جامعه در برابر شایعه، التهاب بازار و تصمیم‌های شتاب‌زده هوشمندانه‌تر عمل کند، امکان تبدیل فشار بیرونی به بحران داخلی کاهش می‌یابد. هدف اصلی نیز تغییر این محاسبه است: فشار، تهدید و عملیات روانی نباید به ابزاری برای تحمیل اراده طرف مقابل تبدیل شود.

مطلب مرتبط

سیاست خصمانه امارات و فرصت ایران

اما در تحولی تازه، امارات به عنوان یکی از کشورهای حاضر در معادله جنگ آمریکا علیه ایران، اعلام کرده است که روابط تجاری و اقتصادی خود با ایران را قطع کرده است. این اعلام از آن جایی اهمیت دارد که امارات یکی از مبادی مهم ورود کالا به کشور بوده است. با این حال، گزارش ها نشان می دهد تا پیش از جنگ، رقم تجارت ایران و امارات حدود ۲۵ میلیارد دلار بود اما فقط ۱۰ درصد این رقم به تجارت مستقیم این دو کشور مربوط می‌شد. ۹۰ درصد حجم تجارت مربوط به کالاهایی بود که از امارات فقط به عنوان واسطه تجاری برای انتقال آن‌ها استفاده می‌شد. در این میان، این واسطه های تجاری سود قابل توجهی از این مسیر کسب می کردند. محاسبات نشان می دهد اگر این عوامل فقط ۲ درصد برای نقل و انتقال پول و تسویه این حجم از تجارت دریافت می کردند، در کمترین حالت ۴۵۰ میلیون دلار در سال یعنی حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان برای آن‌ها سودآوری داشت!

همچنین در دو دهه تحریم، امارات به مرکز یک اقتصاد سیاسی واسطه‌ای تبدیل شده که در آن صرافی ها، شبکه‌های تراستی، شرکت‌های ثبت‌شده و بخشی از ذی‌نفعان داخلی از تداوم تجارت غیرمستقیم و دورزدن ساختار رسمی سودهای کلان به دست آوردند.

مرتضی کوهنورد نایب رئیس کمیسیون واردات اتاق ایران گفته است: اگر محدودیت‌های تحریمی وجود نداشت بخش بزرگی از مبادلاتی که امروز از طریق امارات و به‌ویژه دبی انجام می‌شود، اساسا نیازی به حضور این کشور به‌عنوان واسطه نداشت. با این حال، کارشناسان دیگر حتی روایت مشروط بودن نقش آفرینی امارات در فضای تجاری ایران به تحریم ها را نیز به چالش کشیده اند. رئیس اسبق سازمان توسعه تجارت، علیرضا پیمان پاک، با بیان مثال نقض برای چالش حذف امارات از روابط مستقیم تجاری ایران می گوید بانک مرکزی فقط در ۵۰ روز از جنگ ۲ میلیارد دلار از طریق سازوکاری که در شبکه بانکی روسیه و چین ایجاد شده بود منتقل کرد با هزینه کارمزد ۵۰ دلار برای یک میلیارد دلار، درست در زمانی که امارات کل روابط مالی را با ما قطع کرد. مدیر اندیشکده اقتصاد مقاومتی محمد امینی رعیا نیز گفته است شبکه تجارتی که در امارات شکل گرفته بود ۱۵ تا ۲۰ درصد برای ما هزینه ارزی ایجاد کرده است. او معتقد است از لحاظ امنیتی هم کاملاً این شبکه‌ای که در امارات وجود دارد و مستقر است، تحت تسلط و تحت سلطه آن کسی است که ما را تحریم کرده است. با این حال منافع برخی شرکت‌ها، مجموعه‌ها و اقتصاد سیاسی شکل داده شده در آن جا تغییر را سخت کرد.

از منظر نظامی نیز برخی کارشناسان معتقدند در صورت همراهی امارات با آمریکا در ایجاد چالش علیه ایران، ضمن این که باید اتکای تجارت خارجی ایران به این کشور کاهش بیشتری را تجربه کند، این کشور باید با پاسخ نظامی قدرتمند ایران نیز روبه‌رو شود.

یادداشت

علی محمدی
info@khorasannews.com

جنگ اقتصادی ترامپ، پیش از ایران به واشنگتن رسید!

ترامپ مدعی آغاز «خردکننده‌ترین عملیات اقتصادی» در تاریخ علیه ایران شد. اما این جنگ، قبل از اینکه به مرزهای ایران برسد، آثار خود را در اقتصاد آمریکا نشان داد و دورنمای تورمی و سیاست پولی فدرال رزرو را درنوردید. اما چرا و چگونه و اساساً داستان چیست؟ ساعتی بعد از سخنرانی ترامپ، خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد حجم بازخرید اوراق بلندمدت را از حدود ۲ میلیارد دلار به حداقل ۴ میلیارد دلار در هر عملیات افزایش می‌دهد. هدف اصلی، تقویت نقدشوندگی بازار و کاهش فشار بر اوراق ۱۰ تا ۳۰ ساله بود. خوب؛ این داستان چه ارتباطی با جنگ و تنگه هرمز دارد؟ ماجرا این گونه است که جنگ و بحران تنگه هرمز باعث اختلال در بازار انرژی شده است. انرژی گران‌تر، خطر بازگشت تورم را افزایش می‌دهد. افزایش نگرانی تورمی نیز فشار بر نرخ بهره و اوراق قرضه را بیشتر می کند و بازده آن ها را بالا می‌برد. این وضعیت برای دولت آمریکا بسیار پرهزینه است، زیرا افزایش بازده اوراق به معنای افزایش هزینه تأمین مالی و بدهی دولت و رکود است. بنابراین خزانه‌داری برای جلوگیری از تشدید این فشار، ناچار به مداخله در بازار بدهی و افزایش بازخرید اوراق شده است. البته بازخرید اوراق دو چهره دارد. لایه روبنایی این است که بخشی از نقدینگی از بازار اوراق خارج می‌شود و به سمت بازارهای مالی می‌رود. کما این که بازارهای مالی دیشب صعودی شدند. اما زیر بنا پیام دیگری دارد. بازار از این اقدام این پیام را دریافت می کند که فشار بر بازار بدهی و اقتصاد آمریکا جدی شده و دولت برای کنترل آن مجبور به مداخله است. از همین جا ارتباط با نفت روشن می‌شود. بازخرید اوراق از سوی خزانه‌داری، پیام تشدید بحران را به بازار انرژی منتقل می کند. کارتل های نفتی نگران آینده می شوند و مطمئن می شوند که بحران جدی است. بازار نفت نیز این پیام را با افزایش ریسک اختلال در عرضه و تداوم بحران در هرمز، قیمت گذاری می کند؛ و نتیجه می شود افزایش قیمت نفت. واقعیت این است که ترامپ دیشب از آغاز یک عملیات اقتصادی بسیار سنگین علیه ایران سخن گفت. اما واقعیت آثار این جنگ، پیش از رسیدن به ایران، در خود واشنگتن ظاهر شده است.

اظهارات خبرساز رئیس کل بانک مرکزی درباره وضعیت اقتصادی:

در شرایط کنونی نفت صادر نمی‌کنیم

رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به این که صادرات نفت ایران صفر شده، خاطرنشان کرد: فرق ما با عراق و قطر این است که آن ها به ذخایر بانک مرکزی خود دسترسی دارند ولی ذخایر ارزی ما را آمریکایی ها مسدود کردند و اجازه برداشت نمی دهند.

همتی رئیس کل بانک مرکزی در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری در اظهاراتی که در رسانه ها بازتاب داشت، گفت: در این که محدودیت صادرات نفت داریم شکی نیست. من با عراقی ها و قطری ها هم صحبت کردم ؛ درآمد آن ها از فروش نفت صفر شده است.

وی افزود: برای ما هم این اتفاق افتاده و یک واقعیتی است که نفت صادر نمی کنیم، اما دولت و بانک مرکزی پیش بینی های لازم را برای این موارد کرده‌اند.

رئیس کل بانک مرکزی خاطرنشان کرد: فرق ما با عراق و قطر این است که آن ها به ذخایر بانک مرکزی خود دسترسی دارند ولی ذخایر ارزی ما را آمریکایی ها مسدود کردند و اجازه برداشت نمی دهند.

او ادامه داد: با وجود شرایط کنونی بعید می‌دانم بهتر از وضعیت فعلی امکان اداره کشور وجود داشت. من سال های ۹۷، ۹۸ و ۹۹ هم رئیس کل بانک مرکزی بودم، شرایط آن موقع هم تا حدودی مشابه الان بود ولی شرایط کنونی بسیار سخت‌تر از سال‌های آخر دهه ۹۰ است.

همتی با بیان این که معتقدم دولت کشور را خیلی خوب اداره کرده است، گفت: در شرایطی قرار داریم که درآمدهای نفتی، مالیاتی، درآمدهای بیمه تامین اجتماعی و سایر درآمدهایمان تحت تاثیر قرار گرفته است؛ همه این ها در اقتصاد تاثیر می گذارند.

وی افزود: در شرایط جنگ ۴۰ روزه پیش بینی هایی کرده بودیم که حتی تامین ارز واردات کالاهای اساسی و دارو نسبت به ۵ ماهه اول سال گذشته خیلی بهتر است. در ۵ ماهه امسال ۳۰ درصد بیشتر از مدت مشابه سال گذشته تامین ارز دارو و تجهیزات پزشکی شده و تامین ارز کالاهای اساسی و کشاورزی تقریباً ۸ درصد کمتر از ۵ ماهه پارسال بوده است.

به گزارش خراسان در شرایطی که با توجه به وضعیت جنگی منطقه فروش نفت کشورها از جمله کشورمان با نوسان روبه‌روست، به نظر می رسد آمارهای ارائه شده توسط همتی نیازمند شفاف سازی بیشتر است.

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
با اندوهی عمیق، درگذشت بانوی فرهیخته
و نیک‌اندیش
شادروان فروزنده ساعدی
را به اطلاع بستگان، دوستان و تمامی عزیزانی
که در این اندوه با ما همراهند، می‌رسانیم.
به یاد آن بانوی بزرگوار و در ادامه راهی که در زندگی خویش با مهر و نیکوکاری پیمود،
مراسم سوم، هفتم و چهلم ایشان برگزار نخواهد شد
و هزینه آن به امور خیر و یاری نیازمندان اختصاص خواهد یافت.
نام نیکش ماندگار و یادش گرامی باد.
فرخ و فروزان ساعدی و فامیل وابسته
۲۰۳۱۱۳

۳۱مرداد ماه سیزدهمین سالگرد
درگذشت همسر و پدرعزیزمان
شادروان فریدالدین اسراری
را گرامی می داریم.
همسر و فرزندان
۱۹۶۰۸۱

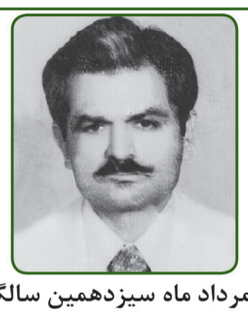

WWW.۳۷۰۱۰.IR
آسان ترین راه سفارش آگهی ترحیم و تسلیت
سفارش آنلاین
امکان ارسال عکس
دریافت فاکتور
استفاده از متن های پیشنهادی
تلفن تماس بخش پشتیبانی
۳۷۰۰۹۹۱۴